

نکاتی پیرامون الواح گلی تخت جمشید یکی از با ارزش ترین کتیبه‌های تاریخی جهان

ندا ضیابخش*

چکیده مقاله

در سال ۱۳۱۲ شمسی کاوش گرانی از دانشگاه شیکاگو آمریکا موفق شدند، بیش از سی هزار لوح گلی مکتوب با حروف ایلامی و ممهور با مهرهایی به خط میخی پارسی از شمال شرقی تخت جمشید بدست آورند. این اسناد منحصر بفرد که از آسیب زمانه به طرزی معجزه‌آسا مصون مانده بود، بیشتر اختصاص به صورت دستمزد کارگران و صنعتگرانی داشت که در ساخت بنای تخت جمشید مشارکت داشته‌اند. این مقاله ضمن ترجمه برخی از این الواح به ذکر کتیبه‌های سنگی تخت جمشید که از دوره هخامنشیان به یادگار مانده است، پرداخته، ظرافت‌هایی را در ساخت بنای تخت جمشید و نکاتی بدیع را از سنگ نوشته‌ها و سنگ‌بری‌های آن عرضه می‌دارد. دقت نظر در شکل و محتوای بسیاری از این لوحه‌ها و سنگ نوشته‌ها، نکاتی ارزنده را در پهنه تاریخ، هنر، ادبیات و در یک کلام فرهنگ غنی این سرزمین مشخص می‌سازد.

کلید واژه

تخت جمشید، لوحه‌های گلی تخت جمشید، دروازه ملل، کورش هخامنشی، داریوش هخامنشی، خشایارشا، کانال مصر.

* کارشناس ارشد معماری - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه معماری.

الواح تخت جمشید با ارزش‌ترین کتیبه‌های تاریخی جهان

در گذشته‌های دور، کشور ایران به لحاظ موقعیت اقلیمی در قلب کشورهای شناخته شده آن زمان جای داشته است. این ویژگی و موقعیت باعث تبادل فرهنگی کشورهای خاور و باختر و ملل دیگر در ایران بوده است. در حقیقت ایرانیان در تاریخ، از جمله عوامل گسترش دهنده فرهنگ میان سایر ملل بوده‌اند و برحسب موقعیت جهانی خود در دورانهای مختلف علاقه‌مند بوده‌اند تا با بهم پیوستن مردمان شرق و غرب، نقش رابط را ایفا کنند. این ویژگی ریشه در گذشته‌های دور این سرزمین داشته و ایرانیان را به وحدت جهانی علاقه‌مند ساخته است و امروز به روشنی می‌توان تأثیر آن را در بخش‌هایی از ادبیات چند هزار ساله ایران مشاهده کرد.

با بررسی بیشتر در شگفتی‌های این سرزمین، می‌توان این نکته را دریافت که چه گونه فارس دروازه چندین هزار ساله تاریخ خود را بر روی تماشاگران می‌گشاید و خود را از نخستین کانونهای تمدن، شهرنشینی و مهندسی معرفی می‌کند. تمام سرزمین فارس یادواره‌ای زنده از تاریخ معماری و هنر ایرانی است که خود ریشه در فرهنگ اصیل ایرانی دارد. آثار باقی‌مانده از معابد و بناهای تاریخی در گوشه و کنار این سرزمین معرف تاریخ جاودانه و دیرینه آن است. ایرانیان پیش از بین‌النهرین و مصر، هنر سفال را به کار گرفته‌اند.^۱ یکی از این آثار برجسته در ایران، مجموعه تخت جمشید است. این مجموعه از ۲ بعد حایز اهمیت است؛ یکی از نظر تاریخی است که نقوش برجسته دوره هخامنشی - معروف‌ترین آن نقش برجسته داریوش - معرف این مدعاست. دیگری از نظر مذهبی و تقدس بناست. منطقه فارس، منطقه‌ای سرد بوده که اجساد مردگان در آن نمی‌فرسود. در نتیجه این اجساد را در مکان‌هایی به نام دخمه در

معرض لاشخورها قرار می‌دادند تا گوشت آنها را بخورند و سپس استخوان‌ها را در محلی به نام استودانها که در دل کوهها ساخته می‌شدند، قرار می‌دادند.^۲ آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، بازخوانی بخشی از کتیبه‌های موجود در تخت جمشید است که خود بیانگر اصالت معماری آن و نشانگر دوره و زمان ساخت آن است.

الواح گلی تخت جمشید^۳

در سال ۱۳۱۲ شمسی هنگام خاکبرداری از گوشه شمال شرق تخت جمشید در قسمت شمالی دروازه نیمه تمام، کاوش‌گران دانش‌گاه شیکاگو آمریکا از دیوان سرای تخت جمشید بیش از سی هزار لوح گلی، بیش‌تر با حروف ایلامی^۴ - که خط جهانی آن روز بود - مهور با مهرهایی با خط میخی پارسی پیدا کردند. این الواح برای مطالعه به صورت امانت به دانشگاه شیکاگو انتقال یافت. تعدادی از الواح توسط پروفیسور کامرون^۵ و همکار دیگرش^۶ ترجمه شد و به نام «الواح گلی تخت جمشید» منتشر گردید. اسنادی که متعلق به سالهای ۵۱۲ تا ۴۹۲ پیش از میلاد (در فاصله زمانی ۲۸ سال) است.^۷

الواح گلی یاد شده که هم اکنون در اختیار دانش‌گاه شیکاگو قرار دارد، برای ما ایرانیان سند و شناسنامه و هویت انسانی غیرقابل انکاری خواهد بود که اهمیت افکار آزادمنشانه‌ای را در آن دوره تاریخی برای جهانیان روشن می‌سازد و به ما فرصت می‌دهد که از کارهای ساختمانی، نجوم، ستاره‌شناسی و علوم ریاضی آن دوره آگاهی به دست آوریم.

نویسندگان الواح عموماً نام‌هایی ایلامی دارند. اما سرکارگران و مدیران دارای نام پارسی هستند. در تعدادی از کتیبه‌های گلی، صورت و تاریخ دستمزد، تعداد صنعتگران و کارگران ایرانی و غیرایرانی که در تخت جمشید کار می‌کردند، ثبت شده است. این الواح در واقع اسنادی منحصر به فرد است، زیرا که تا آن روزگار پرداخت دستمزد در هیچ کشوری معنا نداشته است و این نخستین بار در تاریخ تمدن بشری

است که کشور فاتح و نیرومند، کار مشقت بار و رایگان از کارگران و مردان زیردست خود نخواست و انصاف و مردانگی را رعایت کرده است. ترجمه ۲ کتیبه از کتیبه‌های گلی تخت جمشید - که توسط دکتر کامرون ترجمه شده و درباره پرداخت دستمزد است - بدین شرح است:

۱- کتیبه اول:

به فرمان داریوش مبلغ ۹۰۴ کارشا نقره به دست یک مدیر به شبانان «پارمیزا» - که مسؤول کار ایشان «سادومیش» است و در محل مارباشکا وظایف خود را بخوبی انجام داده‌اند - داده شد (به هر یک نفر هشت کارشا).^۸

۲- کتیبه دوم:

به فرمان شاه (داریوش) مبلغ ۱۶۵ کارشا نقره به دست یک مدیر برای هزینه معیشت زنانی که مأمور اسب‌های بانو «آباکیش» هستند و مسؤول کار ایشان «آپی شیائیش» است بدیشان پرداخت شد، این لوح را «دادوماینا» نوشت.^۹

ایرانیان نه تنها در تخت جمشید دستمزد صنعت‌گران و کارگران را پرداخته‌اند، بلکه به علت اعتقاد راسخ به آبادانی جهان، علاوه بر سرزمین ایران در نقاط مختلف جهان مانند فلسطین، بابل، مصر، ترکیه و... کارگرانی را به کار گمارده‌اند که اسناد باقی‌مانده دلیلی بر پرداخت دستمزد ایشان تواند بود. این ادعا را نکته‌ای در تورات باب سوم از کتاب عزرا^{۱۰} تأیید می‌کند:

«به سنگ تراشان و نجاران نقره دادند و به اهل صیدون و صور خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و روغن دادند، تا چوب سرو آزاد لبنان را از دریا به «بافا» - بنابه فرمانی که کورش پادشاه پارس به آنها داده بود - بیاورند.»^{۱۱}

در کاوش‌های باستان‌شناسی که در دو شهر اور و بابل انجام گرفته آجرهایی با مهر کورش بدست آمده است که نشان می‌دهد پرستش‌گاه «اور» توسط ایرانیان بازسازی شده است. نوشته روی آجر چنین است:

«کورش شاه پارس: خداوند بزرگ، همه کشورها را به دست من سپرده است. من در این کشورها آرامش برقرار می‌کنم.»



کتیبه‌های سنگی تخت جمشید

سنگ نوشته‌های تخت جمشید^{۱۲} با سبک خاص خود با فروتنی و احترام به دیگران نوشته شده است و این در حالی است که پادشاهان آن روزگار مانند پادشاهان بابل، آشور و... با انشا و زبانی پیچیده و گنگ نوشته‌های خود را ثبت می‌کردند. به طوری که فقط تعدادی معدود می‌توانستند بخوانند. اما نوشته‌های تخت جمشید ساده، عالمانه و بدون هیچ‌گونه گزافه‌گویی همراه با پاک منشی و بزرگواری است. در نوشته‌های هخامنشیان بدون این که از بیگانه ابراز نفرت و انزجار شود، نشانه‌هایی از علاقه شدید به ایران را می‌توان دید. آغاز و پایان هر نوشته به نام خداوند بزرگ است که برای تبرک نیز تکرار شده است. به طوری که نوشته‌ها شعر گونه، موزون و آهنگین است. نکته جالب این که برای احترام به باورهای مذهبی ملل مختلفی که وارد تخت جمشید می‌شدند، در کتیبه بزرگ نامی از «خدایان» دیگر هم به صورت مبهم آمده است.

بیشترین نوشته‌های باقی مانده به نشانه احترام به دیگران، با سه زبان^{۱۳} آن روزگار نگاشته شده است. خط پارسی باستان، که صحیح‌ترین و ساده‌ترین خط میخی است، باعث شده است تا بتوان خط‌های بابلی و آشوری را نیز خواند.

از دوره هخامنشیان ۱۶ کتیبه و از دوره ساسانیان دو کتیبه در قسمت‌های مختلف تخت جمشید حک شده که بزرگ‌ترین آن به طول ۸ و پهنای ۲ متر روی دیوار جنوبی نزدیک راه پلکان ورودی و به سه زبان پارسی، ایلامی و بابلی است. این کتیبه در جایی است که همه مردم، بدون وارد شدن به تخت جمشید، می‌توانند آن را ببینند و بخوانند. کتیبه از دو ستون پارسی (یک ستون ایلامی و یک ستون بابلی) تشکیل شده که با وجود گذشت ۲۵ سده هنوز سالم مانده است. از این کتیبه چنین معلوم می‌شود که پیشتر در سکوی تخت جمشید ساختمانی وجود نداشته و آغاز عملیات ساختمان به وسیله داریوش هخامنشی انجام گرفته است.

۱- ترجمه بخشی از کتیبه بزرگ دیار جنوبی تخت جمشید بدین گونه است:

«هورامزدا، او بزرگ‌ترین خدایان است.»

او داریوش را شاه کرد.
شاهی را به او داده است.
به خواست اهورامزدا داریوش شاه است.
داریوش شاه گوید این است کشور پارس که اهورامزدا به من داد.
زیباست، دارای اسبان خوب و مردان خوب.
به خواست اهورامزدا این کشور از دیگری نمی‌هراسد.
داریوش شاه گوید: اهورامزدا با خدایان، خاندان مرا یاری کنند و این کشور را از دشمن، از خشک‌سالی، از دروغ نگاه دارد.
به این کشور نیاید نه دشمن نه خشک‌سالی نه دروغ.
این برکت را من از اهورامزدا و خدایان درخواست می‌کنم این را ببخشد اهورامزدا و خدایان.^{۱۴}

۲- داریوش انگیزه ساخت تخت جمشید را در یک کتیبه بزرگ بدین صورت مشخص کرده است:

«من داریوش، شاه بزرگ، شاه کشورهای بسیار پسر ویشتاسب^{۱۵} هخامنشی.
داریوش شاه گوید: چنان که بر بالای این مکان، این بُرگ^{۱۶} را ساختم، در پیش در این جا بُرگ ساخته نشده بود.
به کمک اهورامزدا این برگ را ساختم.
اهورامزدا با همه خدایان بر این نظر بودند که این برگ ساخته شود، پس من آن را ساختم.
آن را ایمن، زیبا، کاخی چنان که قصد من بود ساختم.
داریوش شاه گوید: اهورامزدا با همه خدایان مرا و این برگ را حفظ کند به علاوه آنچه در این مکان برپا گردیده، به آن چه دشمن اندیشه انجام آن را دارد شفقت نکند.»^{۱۷}

-۳-

«اهورامزدا او بزرگ‌ترین خدایان است.

او داریوش را شاه کرد.

شاهی را به او داده است.



به خواست اهورامزدا داریوش، شاه است. داریوش شاه گوید: به خواست اهورامزدا این است. کشورهای (دهوی پارس) که من با مردم پارس از آن خود کردم: خوزستان، ماد، بابل، عربستان. آشور، مصر، ارمنستان، کپه و کیه، سارد، یونانی‌ها، اسکارتابه، پرتو، زرنگ، بلخ، هرات، سغد، خوارزم، تات گوش، رخج، هند، گندار، سکایی‌ها، مکیا.^{۱۸}

تعداد ۸ سنگ نبشته در کاخ صد ستون پیدا شده است که اکنون در موزه تخت جمشید و موزه ایران باستان و موزه شیکاگو است. این سنگ نوشته‌ها متعلق به خشیارشا^{۱۹} و ترجمه آن چنین است:

«خدای بزرگی است اهورامزدا که زمین را آفرید. که آسمان را آفرید، که مردم را آفرید. که شادی برای مردم آفرید. که خشیارشا را شاه کرد. یگانه شاهی از شاهان بسیار یگانه فرمان‌روایی از فرمان‌روایان بسیار. من خشیارشا، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورهای که دارای مردمان گوناگون است. شاه این سرزمین بزرگ پهناور، پسر داریوش شاه هخامنشی پارسی، پسر پارسی، آریایی از نژاد آریایی. خشیارشا گوید: این است کشورهای سوی پارس که به خواست اهورامزدا من پادشاه آن‌ها هستم. من به آن‌ها فرمان‌روایی داشته‌ام. پیش من باژمی آورند، آنچه از سوی من به آن‌ها فرمان داده می‌شد آن را انجام می‌دهند. قانون من آن‌ها را نگاه داشت. ماد، خوزستان، رخج (بلوچستان)، ارمنستان، زرنگ (سیستان)، پارت، هرات، باکتریان (بلخ)، سغد، خوارزم، بابل، آشور، تات گوش (دره هیرمند)، سپردا (سارد، لیدی)، مصر، یونانی‌هایی که در دریا زندگی می‌کنند و آن‌هایی که آن سوی دریاها هستند، مکیا (مکران امروزی و عمان)،



عربستان، گندهار، هند، کپدوکیه (شمال شرقی آسیای کوچک)، داهای (شرق دریای خزر)، سکا، هوم ورگا، سکاها، تیز خود، مقدونیه، پونیتا، لیبی، کاریا (جنوب غربی آسیای کوچک)، حبشه.

خشیارشا گوید: هنگامی که من شاه شدم در میان این کشورهایی که در بالا نام برده شد نافرمانی بود، پس اهورامزدا مرا یاری کرد. به خواست او من صلح و آرامش در جهان برقرار کردم. در بین کشورها پیش از من آن پرستش خانه دیوان را برافکندم و فرمان دادم پرستش دیوان نکنند هر جا پیش از من دیوان را پرستش می کردند، در آنجا من اهورامزدا و «ارت» را با فروتنی ستایش نمودم و آن چه خراب بود درست کردم، این کارها که از من سر زد همه به خواست اهورامزدا بود.

اهورامزدا من را یاری کرد تا این کارها را انجام دهم تو که در پسین روزگاران می آیی، اگر اندیشه کنی که در زندگی شاد و در مرگ خجسته باشی، به آن دستورهایی که اهورامزدا فرموده است ارج گذار، اهورامزدا و ارت را با فروتنی ستایش کن.

مردی که آن دستوری را که اهورامزدا فرموده ارج گذارد و اهورامزدا و ارت را با فروتنی ستایش کند، در زندگی شاد و بعد از مرگ خجسته خواهد بود.

خشیارشا گوید: اهورامزدا مرا از هر بدی نگاه دارد. همچنین خانواده من را و این کشور را.

این را من از اهورامزدا درخواست می کنم.

اهورامزدا همه آن ها را به من ببخشد»^{۲۰}

ترجمه کتیبه اردشیر سوم در تخت جمشید بدین گونه آمده است:

«خدای بزرگی است اهورامزدا که این زمین را آفرید، که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که برای مردم شادی آفرید. که اردشیر را شاه کرد یگانه شاه از بسیار، یگانه فرمان روا از بسیار، اردشیر، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها. اردشیر گوید: من پسر اردشیر شاه، اردشیر پسر داریوش شاه، داریوش پسر اردشیر شاه، اردشیر پسر خشیارشا، خشیارشا پسر داریوش شاه، داریوش پسر ویشتاسب پسر ارشام نام هخامنشی.

اردشیر گوید: این پلکان سنگی به وسیله من و تحت دستور من بنا شد.

اردشیر شاه گوید: اهورامزدا و میترا مرا و این کشور را، و آنچه را به وسیله من کرده شده بیاید.»



دروازه ورودی تخت جمشید

ورودی تخت جمشید با فضای زیاد از طریق ۱۱۰^{۲۱} پله وسیع با شکوه که به صورت یکپارچه از کوه تراشیده شده است و پهنای آن به هفت متر می‌رسد به طرفین باز شده و با یک پاگرد، دو مرتبه به طرف مرکز برمی‌گردد تا تعدادی بسیار از میهمانان بتوانند با هم به طرف دروازه ملل حرکت کنند. این نوع ورودی که با گشاده رویی از میهمانان استقبال می‌کرده، در معماری سنتی ایران بکرات دیده شده است.^{۲۲} پاریتون یونان پس از تخت جمشید ساخته شده و ورودی آن و طرز قرار گرفتن روی تپه و پوشیدگی بانوان در ساختمان پاریتون تحت تأثیر فرهنگ ایرانی است.^{۲۳} پله‌ها از سنگ‌های عظیم و گران وزن به دست سنگ‌تراشان با مهارت و جسارت، سنگ‌بری شده است. انسان در حال بالا رفتن از این پله‌ها احساس می‌کند که بر سنگ سرکش چیره شده و یک فضای با روح همراه با عظمت و شکوه ایجاد گردیده است.

مهمانان بدون خستگی با آرامش و تواضع از طریق این فضای باز دوستانه به دروازه ملل هدایت می‌شده‌اند. دروازه ملل سه در عریض داشته است که یکی از آن‌ها رو به پلکان ورودی و یکی رو به آپادانا و در دیگر به کاخ صد ستون راه داشته است. این دروازه بلند و زیبا ورودی تالارهای تخت جمشید است که مهمانان از این محل به قسمت‌های مختلف تخت جمشید هدایت می‌شده‌اند. خشیارشا - که بخشی بزرگ از تخت جمشید در زمان او ساخته شده است - بر بالای جرزه‌های سنگی این دروازه کتیبه‌ای به زبان ایلامی، پارسی و بابلی نقش کرده است. در این کتیبه، تفکر و اعتقادات سازندگان تخت جمشید را می‌توان دید:

«به خواست اهورامزدا این دروازه را - که همه کشورهای از آن می‌گذرند - من برای

مردم ملل ساخته‌ام.»

در هیچ کجای جهان باستان، ساختمانی بنا نشده است که برای مردم ملل باشد. در هند ساختمان مهم «پراسارا» (مقر خداوند) و در اروپا، «تمپل» (مکانی که از مکان‌های دیگر جدا شده است) و در یونان «لوه‌گیون» (مکان ترس = عدم دخول) مکانی که اجازه ورود به آن را نداشتند بوده است.^{۲۴}

بنظر می‌رسد استمرار طرز تفکری که ورودی تخت جمشید، یعنی دروازه ملل را بنا کرده است، پس از هزاران سال بر سر درگاه خانقاه شیخ ابوالحسن خرقانی می‌توان دید. سردری که بر آن این نوشته بچشم می‌خورد:

«هر که در این سرا درآید نانش دهید و از ایمانش می‌رسید، چه آن کس که به درگاه باری تعالی به جان ارزد البته بر خوان ابوالحسن به نان ارزد.»^{۲۵}

و بر سر مقبره شیخ یوسف در سروستان فارس آمده است:

«در به روی هر کس که درآید گشوده است.»^{۲۶}

بر روی کتیبه دروازه ورودی تخت جمشید چنین نوشته شده است:

خدای بزرگ است اورمزدا که زمین را آفرید.

که مردم را آفرید. که شادی را برای مردم آفرید.

که خشایارشا را شاه کرد، شاهی از بسیاری و فرمان‌روایی از بسیاری.

من هستم خشایارشا، شاه شاهان شاه، کشورهایی که شامل همه گونه مردم است شاه این سرزمین بزرگ پسر داریوش شاه هخامنشی.

خشایارشا گوید: به خواست اورمزدا این در که همه کشورها از آن می‌گذرند، من برای مردم ملل ساختم و بسیار چیزهای زیبای دیگر که در این پارسه کرده شده که من کردم و پدر من کرد.

هر کاری که به دیده زیبا است، آن همه را به خواست اهورامزدا کردیم.

خشایارشا گوید: اهورامزدا مرا و شهریارم را بیایاد و آنچه به وسیله من کرده شد و

آنچه که به وسیله پدرم کرده شد آن را اهورامزدا بیاید.»^{۲۷}

درباره این سنگ نوشته‌ها رودکی چنین سروده است:

مردمان بخرد اندر هر زمان راز دانش را به هرگونه زبان

گرد کردند و گرامی داشتند تا به سنگ اندر همی بنگاشتند^{۲۸}

کندن کانال مصر

در سده هفتم پیش از میلاد یکی از فراعنه مصر، موسوم به «نکوی دوم»، به فکر کندن کانالی افتاد تا دریای سرخ را از طریق یکی از انشعاب‌های رود نیل به دریای مدیترانه متصل نماید اما این کار انجام نگرفت.



مورخان عللی گوناگون برای متوقف ماندن عملیات حفاری ذکر کرده‌اند. هرودت علت این امر را ادعای پیشگویانی دانسته است که حفر کانال را به منزله اقدامی به سود اقوام وحشی می‌دانستند. علت دیگر آن که دانشمندان مصر اختلاف سطح دو دریای مدیترانه و دریای سرخ را در حدود ۱۰ متر می‌دانستند^{۲۹} و می‌پنداشتند چنانچه دو دریا به هم وصل شود، مصر به زیر آب خواهد رفت. حدود یک سده پس از این تاریخ، داریوش پارسی دستور کندن این کانال را - که از نظر سیاسی، اقتصادی سودمند تشخیص می‌داد - صادر کرد و مهندسان ایرانی - که این اختلاف را بسیار کم می‌دانستند - اقدام به کندن کانال کردند. در کتیبه‌های باقی مانده در مصر چنین آمده است که:

«داریوش از نواحی شهرهای مصر و رود نیل بازدید کرد و فرمان داد که بزرگان و مهندسان برای کندن کانال به کار مشغول شوند.»

در متن کتیبه‌ای دیگر آمده است:

«این چنین کار بزرگ که تا آن روز صورت نگرفته بود، به فرمان و اراده داریوش که خداوندش جاودان دارد، صورت حقیقت پذیرفت.»

در مسیر کانال کنده شده در مصر، از داریوش پنج کتیبه سنگی به درازای ۳/۱۵ و پهنای ۲/۱۰ متر پیدا شده است که آثار شکستگی شدید در آنها موجود است. روی کتیبه‌ها به خطوط مصری، آکادی، بابلی، ایلامی و پارسی منقوش است که در کتیبه مصری، داریوش را به صورت شیر نشسته در جای فرعون مصر نشان داده‌اند. اسامی ۲۴ کشور تابع هخامنشیان با تصویر آنها نقش شده است که این تفاوتی است که بین این تصویر با زمان فراعنه مصر دیده می‌شود. تفاوت این است که در زمان فراعنه، مردم ملل تابع را به شکل اسیری تصویر می‌کردند که دست‌هایشان بسته بوده و این اسیران در شکل بیضی دندان‌دار یعنی قلعه محکم بسته شده بودند. اما ایرانیان ملل دیگر را مانند اسیر تصویر نکرده، بلکه آنها را بر بالای بیضی قرار داده و نام آنها را ذکر کرده‌اند.

بخشی از ترجمه این کتیبه بدین گونه است:

«خداى بزرگ است اهورامزدا كه آسمان را آفريد.
 كه زمين را آفريد، كه انسان را آفريد، كه براى انسان شادى آفريد كه داريوش را شاه
 كرد، كه به داريوش شاه شهريارى بزرگ، نيك اسب، نيك مرد داد.»
 «منم داريوش شاه بزرگ، شاه دهيوهاى بسيار نژادگوناگون، شاه در اين سرزمين
 بزرگ و پهناور و پسر ويشتاسب هخامنشى.»
 «گويد داريوش شاه، من پارسي هستم كه به همراهى پارسيان مصر را گرفتم.
 «من فرمان دادم اين كانال را بكنند.
 از رودى به نام نيل كه در مصر جارى است تا به دريائى كه از پارس مى‌رود. پس از آن،
 اين كانال كنده شد آنسان كه من فرمان دادم، ناوها از مصر از ميان اين جوى به پارس
 آمدند آنسان كه مرا اراده بود.»

با بررسى اجمالى در باب كتيبه‌هاى موجود در بناهاى قديمى، بالاخص تخت
 جمشيد مى‌توان دريافت كه برخلاف بناهاى امروزي كه نشانى از سازنده در آنها
 وجود ندارد، اكثر بناهاى قديمى داراى سنگ نوشته‌ها، كتيبه‌ها و كاشى‌هاى است كه
 نشان دهنده تاريخ ساخت و سازنده آن است. نشان‌هاى كه پرده از تاريخ و فرهنگ
 كهن اين سرزمين برداشته، ظرافت‌هاى را از هنر، ادبيات و معماری ايرانى، به نمايش
 مى‌گذارد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- اين خود گويای اصالت هنر و تأثیر آن در زندگى روزمره ایرانیان باستان است.
- ۲- ر.ک به كتاب «معماری ايران در دوره هخامنشى، فردريخ، واشموت، مجله ساختمان، شماره ۵، سال ۱۳۶۷»
- ۳- تعدادى زياد از اين كتيبه‌ها در حال حاضر در دانشگاه شيكاگو موجود است.
- ۴- شوش همواره پايتخت ايلام بوده است. خطى كه بعدها بصورت خط ميخى درآمد، در ابتدا در همين محل اختراع شد. به طوري كه گفته شده، مردم شوش نخستين مردم با سواد آسيا بوده‌اند. ر.ک. به كتاب «اصل و نسب و دين‌هاى ایرانیان باستان، رضائى، عبدالعظيم، ناشر رضائى، سال ۱۳۶۸»

- ۵- دکتر جورج کامرون، خاورشناس آمریکایی ۷۵۳ قطعه از این الواح را در کتابی به نام «الواح گنجینه تخت جمشید» ترجمه و چاپ کرده است. ر.ک. به «تخت جمشید از نگاهی دیگر، مهندس پور عبدالله، حبیب‌الله، نشر بنیاد فارس‌شناسی، سال ۱۳۷۷»
- ۶- نام ایشان هالوک بوده است.
- ۷- ر.ک. به کتاب «پژوهش‌های هخامنشی، شهبازی، شاپور، انتشارات مؤسسه تحقیقات هخامنشی»
- ۸- ر.ک. به کتاب «تخت جمشید از نگاهی دیگر، مهندس پور عبدالله، حبیب‌الله، نشر بنیاد فارس‌شناسی، سال ۱۳۷۷، صفحه ۶۵».
- ۹- ر.ک. به همان منبع - صفحه ۶۵.
- ۱۰- در تورات باب دهم به نظر می‌رسد که معابد ساخته شده بدون دستمزد است. ر.ک. به کتاب «میراث باستانی ایران، فرای، ریچاردن، ترجمه رجب‌نیا، مسعود، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ سوم، سال ۱۳۶۸»
- ۱۱- ر.ک. به کتاب «تخت جمشید از نگاهی دیگر، مهندس پور عبدالله، حبیب‌الله، نشر بنیاد فارس‌شناسی، سال ۱۳۷۷، صفحه ۶۹»
- ۱۲- داریوش در کتیبه بیستون می‌نویسد: «این نوشته را که نوشتم، با زبان آریایی روی لوحه‌های گلی و پوسته آهو نیز نوشته و در حضور من خوانده شد. سپس این نبشته‌ها را همه جا فرستادم. این متن بدان معناست که تمامی کتیبه‌های سنگی هخامنشیان بر روی پوست هم بوده که به اطراف فرستاده می‌شده است. پیداکردن دو قباله پوستی مربوط به سده اول پیش از میلاد با خط پهلوی اشکانی در اورامان کردستان که فعلا در موزه انگلستان نگهداری می‌شود، تاییدی است بر این نوشته‌ها. ر.ا. به کتاب «از زبان داریوش، پروفیسور کخ، هاید ماری، ترجمه دکتر رجیبی، پرویز، نشر کارنگ، سال ۱۳۷۶»
- ۱۳- سه زبان رایج، ایلامی، بابلی و پارسی یا میخی پارسی بوده است.
- ۱۴- ر.ک. به کتاب «تخت جمشید از نگاهی دیگر، مهندس پور عبدالله، حبیب‌الله، نشر بنیاد فارس‌شناسی، سال ۱۳۷۷، صفحه ۸۶»
- ۱۵- ویشناسپ یا وشتاسپه. در فارسی باستان از واژه اسب و ترکیب این کلمه، نامه‌هایی فراوان ساخته شده است. مانند گرشاسپ (دارنده اسب)، لهراسب (تند اسب)، ارجاسب (دارای اسب با ارج)، و تهماسب (دارای اسب فربه). ر.ک. به کتاب «فرهنگ جهانگیری، انجوی شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن، ویرایش دکتر عقیقی، رحیم، انتشارات دانشگاه مشهد، سال ۱۳۵۱، صفحه ۲۱۹۴».

- ۱۶- بُرگ، شکل کهنه برج یعنی همان دژ است که در زبان اروپایی وارد و «بورگ» شده است، مانند هامبورگ، گوته بورگ، ماگه بورگ. ر.ک به کتاب «Merriam Webster Collegiate Dictionary»
- ۱۷- اصل متن به زبان ایلامی است ر.ک. به کتاب «میراث هنر هخامنشی، دکتر بهنام، عیسی، بررسی‌های تاریخی، شماره ۲، سال ۱۳۴۷».
- ۱۸- اصل متن به زبان پارسی باستان است ر.ک. به کتاب «میراث هنر هخامنشی، دکتر بهنام، عیسی، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳، سال ۱۳۴۷».
- ۱۹- خشیارشا در نوشته‌های میخی خشیارشن است که از دو واژه ترکیب یافته است. خشیه به معنی شاه و ارشن به معنی دلیر است که روی هم رفته به معنی شاه دلیر است. ر.ج. به کتاب «فرهنگ جهانگیری، انجوی شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن، ویرایش دکتر عفیفی، رحیم، انتشارات دانشگاه مشهد، سال ۱۳۵۱، صفحه ۱۳۷۸».
- ۲۰- بر روی نوشته آرامگاه داریوش اول در نقش رستم، پس از ۲۵۰۰ سال آثاری از رنگ آبی لاجوردی وجود دارد. رنگ آبی فیروزه‌ای و سبز منسوب به اهورامزدا می‌باشد. ر.ک. به کتاب «تخت جمشید از نگاهی دیگر، مهندس پورعبدالله، حبیب‌الله، نشر بنیاد فارس‌شناسی، سال ۱۳۷۷ - صفحه ۹۱»
- ۲۱- درباره عدد ۱۱۰ ر.ک. به کتاب «پرتو وحید در اسرار تخت جمشید در اطوار هفت گانه سلوک و معرفت الله»
- ۲۲- این نوع ورودی قبلاً در مسجد سلیمان ساخته شده است.
- ۲۳- با این که ایرانیان چندین قرن بر یونان حکومت کرده‌اند، لیکن هرگز به پاریتون لطمه‌ای وارد نکرده‌اند. اما پس از جنگ جهانی اول، مجسمه‌های مرمری پاریتون در تصرف ترک‌ها و سپس در تصرف موزه انگلستان قرار گرفت.
- ۲۴- ر.ک. به کتاب «فرهنگ تصویری معماری، چینگ، فرانسیس دی.ک، ترجمه احمدی‌نژاد، محمد، نشر خاک، سال ۱۳۸۲»
- ۲۵- این خانقاه در ۲۶ کیلومتری شاهرود در شمال قصبه خرقان روی تپه‌ای قرار دارد و فضای سبز اطراف آن به آرامگاه قداستی خاصی بخشیده است. (شواهد عینی نگارنده)
- ۲۶- این بقعه - که در شهر سروستان واقع شده است - در طول زمان دستخوش آسیب گشته و بازسازی شده است. این بنای با ارزش شامل ستون‌های سنگی و رومی‌هایی از سنگ تراش است که با ظرافت و شکوهی خاص خودنمایی می‌کند. در وسط چهار طاق اصلی، سنگ قبری مربوط به «شیخ یوسف بن یعقوب سروستانی» با تاریخ ۶۸۰ ه.ق وجود دارد (شواهد عینی نگارنده)

۲۷- ر.ک. به کتاب «معماری ایران در دوره هخامنشی، فردریخ، واشموت، مجله ساختمان، شماره ۵، سال ۱۳۶۷»

۲۸- ر.ک. به کتاب دیوان اشعار رودکی، براساس نسخه سعید نفیسی، انتشارات نگاه، تهران ۱۳۸۲.
۲۹- در سال ۱۹۲۵ میلادی معلوم شد که اختلاف سطح دو دریا حدود ۲۴ سانتی متر است.



منابع و مأخذ

- ۱- اقلیم پارس، مصطفوی، محمدتقی، انجمن آثار ملی، سال ۱۳۷۵.
- ۲- «تخت جمشید شهر مذهبی بوده است»، پروفیسور پوپ. آ، ترجمه اشرف شیبانی، علی، سخن شماره ۱۱، سال ۱۳۵۳.
- ۳- تخت جمشید، مهرپویا، جمشید، تلاش، شماره ۴۶، سال ۱۳۵۳.
- ۴- شرح مصور تخت جمشید، شهبازی، شاپور، سازمان میراث فرهنگی کشور، سال ۱۳۷۵.
- ۵- شناخت اساطیر ایران، مینلز، جان، ترجمه دکتر آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ناشر چشمه، سال ۱۳۶۸.
- ۶- کارنامه شاهنشاهان هخامنشی، ترجمه پروفیسور شارب، انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز.
- ۷- کوروش کبیر، آزاد، مولانا ابوکلام، ترجمه باستانی پاریزی، نشر کوروش، سال ۱۳۷۱.
- ۸- نکاتی درباره طرح و شیوه‌های ساختمانی عصر هخامنشی، تجویدی، اکبر، فرهنگ و معماری ایران، سال ۱۳۵۵.
- ۹- وجه تسمیه تخت جمشید، قائم مقامی، سیف‌الدین، بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، سال ۱۳۴۵.
- ۱۰- هنر ایران، آ.پوپ، مؤسسه a survey in Persian art
- ۱۱- هنرهای ایرانی در مغرب زمین، آل علی، نورالدین، مجله هنر و مردم، شماره ۱۵۷، سال ۱۳۵۴.